

## بررسی طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده از منظر حقوق جزا و جرم شناسی

حسینعلی خواجه گلستانه<sup>۱</sup>، ساجده سرحدی<sup>۲</sup>

ا<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی  
آ<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

### چکیده

مسأله جمعیت یکی از مهمترین مسائل سیاست‌گذاری در کشور است که در طول سالیان متمادی، محل توجه فعالان و دغدغه‌مندان حوزه‌های گوناگون بوده است و ابعاد مختلف فقهی، قانونی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، پزشکی و امثال آن دارد. سیاست‌های جمعیتی در دوره‌های زمانی مختلف، با رویکردهای متفاوتی دنبال شده‌اند، چنانکه پیش از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در سال ۱۳۴۶ به دلیل مهار تدریجی مرگ و میر، سیاست‌های کاهش تنظیم و اجرا شده‌اند و پس از انقلاب نیز در سال ۱۳۶۸ به دلیل نیاز به فرصت برای ترمیم بعد از جنگ، سیاست‌های کاهش رهجویی شده‌اند. در سال‌های اخیر میزان باروری و رشد جمعیت به طور محسوسی کاهش یافته است، چنانکه در حال حاضر نرخ جانمایی جمعیت به زیر ۲ رسیده که به معنای منفی شدن نرخ رشد جمعیت است. بسیاری از متخصصین این حوزه، بحران جمعیتی را دهشتناک‌تر و سهمگین‌تر از شیوع و همه‌گیری ویروس کرونا می‌دانند و آثار زیان‌بار و شدید فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن را غیر قابل مهار توصیف می‌نمایند. همچنین بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، جمعیت کشور از سال ۱۳۹۰ به دوره میان‌سالی وارد شده است و ایران دیگر کشور جوان محسوب نمی‌شود. در وضعیت کنونی، می‌توان گفت بحران جمعیت که سالهاست آغاز شده، همچنان استمرار دارد.

بر همین اساس، مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳ براساس بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی «جمعیت» را ابلاغ فرمودند. در متن ابلاغیه ایشان خطاب به رؤسای قوای سه‌گانه و سایر دستگاه‌های اجرایی و نظارتی کشور تصریح شده است که این سیاست‌ها با عنایت به اهمیت مقوله جمعیت در اقتدار ملی و با توجه به پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز و در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در سال‌های گذشته ابلاغ شده است. این سیاست‌ها در ۱۴ بند، احکام متعدد و مختلفی را بیان کرده‌اند که حوزه‌های مختلف تقنینی، اجرایی و نظارتی کشور را شامل می‌شود. مستند به بند یک این سیاست‌ها می‌توان «ارتقاء پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت» را مهم‌ترین مطالبه سیاست‌های کلی «جمعیت» دانست. پس از آن، در کنار تأکیدات ویژه

معظم‌له در خصوص لزوم توجه به مسأله بحران جمعیت، دو سال بعد و در سال ۱۳۹۵ نیز ایشان با ابلاغ سیاست‌های کلی «خانواده» بر لزوم رهجویی سیاست‌های جدید جمعیتی تأکید فرمودند. این سیاست‌ها مجدداً و در مقام بازتبیین اصل ۱۰ قانون اساسی، لزوم محور قرار گرفتن خانواده در برنامه‌ها، سیاست‌ها و قوانین را یادآور شده و «افزایش فرزندآوری در جهت برخورداری از جامعه جوان، سالم، پویا و بالنده» را مطالبه نمود. نظری اجمالی بر فرمایشات مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر نشان از اهمیت این موضوع در منظومه فکری ایشان دارد، چنانکه یکی از موضوعات پرتکرار در منویات ایشان، لزوم تسریع در اصلاح فرآیندهای فرهنگی، اجتماعی و قانونی کشور در راستای حل معضل جمعیتی است. مع‌الأسف، علی‌رغم تأکیدات مکرر نهاد سیاستگذار کشور، تا پیش از مصوبه کنونی مجلس شورای اسلامی، قانون جامعی در خصوص حل معضل جمعیت کشور به تصویب نرسیده است و حتی برخی قوانین مغایر با این سیاست‌ها همچنان در نظام حقوقی ایران جاری و از حیات قانونی برخوردار هستند. از این رو تصویب قانونی جامع در راستای تقنین مطالبات نهاد سیاستگذار ضروری است و اقدام قانونگذار در تصویب طرح مورد نظر گامی رو به جلو و مؤثر در این حوزه به نظر می‌رسد.

با اشاره به تصویب طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده در پایان سال ۱۳۹۹ در مجلس شورای اسلامی این طرح در قالب اصل ۸۵ قانون اساسی تصویب و برای بررسی به شورای نگهبان ارائه شد که ایرادات مفصلی به آن وارد شد، اگرچه به نظر می‌رسد ایرادات طرح بیش از موارد اعلام‌شده از سوی شورای نگهبان است. اولین نابسامانی قانونی در این حوزه، فقدان کارآمدی قوانین در زمینه مشوق‌های فرزندآوری است. برای مثال بند ۴ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، یک امتیاز حداقلی برای به دنیا آوردن هر فرزند را معادل ۲۰۰ امتیاز محسوب می‌کند. همچنین تبعیض در اعطای تسهیلات، به‌طوری‌که تبصره ماده یک قانون مدیریت خدمات کشوری اصلاحی سال ۹۲، کارمندان دولت را تشویق به فرزندآوری بیشتر نسبت به برخی از مشمولان قانون خدمات کشوری می‌کند، اما برای کارکنانی که مشمول تبصره ۲ ماده یک قانون مزبور نیستند اصلاً مشوقی در نظر گرفته نشده، درحالی‌که تبعیض در جامعه هدف مورد تشویق برای سیاست فرزند آوری نقض حقوق بشر محسوب می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** طرح جوانی جمعیت، حمایت از خانواده، حقوق جزا، جرم‌شناسی

## مقدمه

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در جلسه مورخ ۲۴/۰۷/۱۴۰۰ کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و مورخ ۲۴/۰۸/۱۴۰۰ توسط رئیس جمهور ابلاغ شد. بر همین اساس حجت الاسلام و المسلمین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه دستورالعمل اجرای ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب سال ۱۴۰۰ را به منظور ایجاد هماهنگی بین اعضای کمیسیون‌های سقط قانونی و ایجاد رویه واحد در سراسر کشور در ۳۷ ماده، ابلاغ کرد.

براساس دستورالعمل رئیس قوه قضاییه، مادر اعم از ایرانی یا غیر ایرانی برای ثبت درخواست صدور مجوز سقط جنین باید درخواست خود را به سازمان پزشکی قانونی ارائه دهد. مادر در زمان مراجعه به سازمان پزشکی قانونی باید مدارک هویتی معتبر را به همراه مدارک مبنی بر ناهنجاری جنین (وجود اختلال ساختاری و یا عملکردی در جنین و یا ناهنجاری که امکان درمان آن بعد از تولد وجود نداشته باشد) یا بیماری خود ارائه دهد و پس از تطبیق هویت برای وی پرونده تشکیل می‌شود. تشکیل پرونده برای متقاضیان مجوز سقط جنین در یکی از ادارات پزشکی قانونی مرکز استان و یا ادارات پزشکی قانونی که معاونت پزشکی و آزمایشگاهی سازمان اجازه تشکیل پرونده را داده باشد، امکان پذیر است. طبق این دستورالعمل درخواست صدور مجوز سقط تا چهارماهگی جنین (گذشت چهارماه قمری پس از لقاح مادر باردار) امکان پذیر است.

براساس دستورالعمل رئیس دستگاه قضا، پزشک بررسی کننده اولیه که مورد اطمینان سازمان پزشکی قانونی باشد، کلیه مدارک مربوط به سن جنین، وجود یا فقدان نشانه‌ها و امارات ولوج روح، ناهنجاری جنین و یا بیماری مادر را بررسی می‌کند و پس از اطمینان پرونده را به کمیسیون متشکل از یک قاضی ویژه، پزشک متخصص و یک متخصص پزشک قانونی ارسال و مراتب را با مادر و، ولی اطلاع می‌دهد. مادر و ولی جنین در صورت اقتضاء با تعیین و اعلام وقت قبلی با جلسه کمیسیون دعوت می‌شوند. احراز رابطه ولادت از طریق اسناد هویتی، شناسنامه، عقدنامه و یا حکم قانونی صورت می‌گیرد. در صورت عدم تشخیص، تصمیم نهایی با قاضی ویژه است. کمیسیون در صورت وجود پرونده حداقل هفته یک بار در محل پزشکی قانونی تشکیل می‌شود و در موارد ضروری از قبیل محدودیت زمانی کمیسیون همان روز اعم از ساعت اداری، غیر اداری، تعطیل و یا غیر تعطیل تشکیل شود. کمیسیون پس از تشکیل و بررسی مدارک، مراتب را صورتجلسه و رای دال بر جواز یا عدم جواز سقط صادر می‌کند. طبق دستورالعمل اجرای ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی ابلاغی رئیس قوه قضاییه، پس از اخذ نظر پزشکان عضو کمیسیون تشخیص و احراز حرج اطمینان از وضعیت ولوج روح در جنین فقدان امکان جبران و جایگزینی برای حرج مادر و استعلامات لازم به عهده قاضی است.

براساس این دستورالعمل رأیی که به امضای قاضی ویژه رسیده است در سه نسخه تنظیم می‌گردد یک نسخه از رأی به همراه نظریه کارشناسی سازمان با عنوان مجوز سقط جنین یا عدم جواز سقط جنین به مادر و نسخه دوم به، ولی ابلاغ میشود و نسخه سوم همراه با نظریه کارشناسی سازمان در پرونده پزشکی قانونی نگهداری می‌شود. حداکثر مدت اعتبار مجوز پانزده روز از تاریخ صدور رأی است و مادر باید ظرف مدت مذکور جهت سقط قانونی جنین به بیمارستان مراجعه. کند در تعیین مدت اعتبار در موارد الف و ج ماده ۵۶ قانون، عدم انقضای چهار ماهگی سن جنین لحاظ میشود. چنانچه بیش از پانزده روز از زمان صدور رأی دال بر جواز سقط بگذرد و مادر اقدام به سقط نکرده باشد، حسب مورد با تایید قاضی کمیسیون و یا قاضی ویژه تجدید نظر با رعایت شرایط مندرج در قانون صدور رای مجدد بلا مانع است.

**بیان مسئله:**

مسئله‌ی جمعیت‌مسئله‌ای بنیادین در امر سیاست‌گذاری و آینده‌نگری است که همواره مورد توجه و دغدغه دولت‌ها بوده است. به طوری که پیوسته برای تحت کنترل داشتن رشد جمعیت تلاش می‌کنند. کشور ایران از دهه ۱۳۲۰ تاکنون دو بار در سال‌های ۱۳۴۶ (به دلیل مهار تدریجی مرگ و میر و دارا بودن باروری طبیعی کنترل نشده) و ۱۳۶۸ (به دلیل نیاز به فرصت برای ترمیم بعد از جنگ)، سیاست کنترل را در راستای تعدیل آهنگ رشد جمعیت تجربه کرده است.

امروزه نگرش‌های مختلف به جمعیت ایران و افزایش یا کاهش میزان رشد سالانه آن، بعد تازه‌ای یافته و به دلیل اهمیتی که به ویژه برای آینده دارد، مورد توجه محافل علمی و اجرایی قرار گرفته است. واقعیت آن است که بر اساس مطالعات انجام شده و نیز اطلاعات حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، میزان باروری کل در کشور به کمتر از ۲٫۱ فرزند به ازای هر زن (حد جایگزینی) کاهش یافته است.

بر اساس مطالعات جمعیت‌شناسی و دیدگاه‌های جمعیت‌شناسان در صورت تداوم روند فعلی باروری، رشد جمعیت کشور در حدود سال‌های ۲۰ - ۱۴۱۵ به صفر خواهد رسید و رشد جمعیت منفی شده و ساختار جمعیت در ۲۰ سال آینده به سمت سالخوردگی خواهد رفت. از سوی دیگر متخصصین جمعیت‌شناسی معتقدند که در حال حاضر کشور در شرایط فقر جمعیتی نیست و در عین حال ایران از سال ۱۳۸۵ وارد فاز پنجره جمعیتی شده است که این پنجره حدود ۴ دهه باز می‌ماند و حدوداً در سال ۱۴۲۵ بسته می‌شود.

بنابراین باز بودن این پنجره برای اقتصاد و توسعه کشورمان یک فرصت طلایی است و در صورت فراهم سازی امکانات حمایتی برای جوانان (ازدواج، اشتغال، مسکن مناسب و ...) تا اواسط دهه ۱۳۹۰، می‌توانیم بهره لازم را در مسیر رشد اقتصادی و توسعه ببریم. بنابراین ضرورت تدوین سیاست‌های جمعیتی امری کاملاً ضروری به شمار می‌رود. البته باید توجه داشت که سیاست‌های جمعیتی، فقط بحث‌های کنترل موالید را در بر نمی‌گیرد و مستلزم نگاه جامع‌تر به مباحثی چون اشتغال، نظام آموزشی، مسائل فرهنگی، آمایش سرزمین و ... است.

رهنمودهای مقام‌عظمای ولایت در بازنگری سیاست‌های جمعیتی نیز، اتخاذ مسیر هوشمندانه در این تدبیر را به صراحت بیان می‌نماید: «در این سیاست تجدید نسل حتماً باید تجدید نظر شود و کار درستی باید انجام بگیرد» لذا تدوین قانون جامع جمعیت از اواخر مهرماه سال ۹۱ در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و در تدوین آن، توجه به دو اصل کمیت، مطلوب و کیفیت مطلوب جمعیت همواره مد نظر قرار گرفت. به طوریکه این امر در بیانات مقام معظم رهبری نیز کاملاً مشهود است: «جمعیت جوان و با نشاط و تحصیل کرده و با سواد کشور، امروز یکی از عامل‌های مهم پیشرفت است»، «جمعیت عامل قدرت است و باید مدیریت شود و البته جمعیتی که مولد باشد و خود را اداره کند».

پیش‌نویس این قانون با هدف نیل به نرخ باروری ۲٫۵ در ضد کمی جمعیت تا سال ۱۴۰۴ توأم با ارتقای کیفی جمعیت و تثبیت آن تا سال ۱۴۳۰ ه. ش. تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود تا پس از طی مراحل تشریفات قانونی، تصویب و به عنوان قانون جامع تلقی و همه برنامه‌ریزی‌ها با محوریت آن تدوین، اجرا و نظارت شود.

**اهمیت ضرورت تحقیق:**

طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده ۶ خرداد ۱۳۹۲ در قالب ۵۵ ماده با امضای ۵۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تقدیم مجلس شورای اسلامی شد، این طرح پس از بررسی در کمیسیون فرهنگی به عنوان کمیسیون اصلی با برخی حذف و

اصلاحات در قالب ۵۰ ماده برای بررسی و تصویب در صحن علنی مجلس شورای اسلامی آماده شد. در همان زمان مرکز پژوهش‌های مجلس در اظهار نظر کارشناسی خود در مورد این طرح به تخلف آن از اصل ۷۵ قانون اساسی اشاره نمود و هزینه اجرای آن را بالغ بر ۷۰۰۰ میلیارد ریال تخمین زده بود.

نهایتاً بررسی کلیات این طرح در دستور کار جلسه علنی روز دوشنبه ۱۱ آبان ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی قرار گرفت، و کلیات آن با ۱۴۴ رأی موافق، ۲۵ رأی مخالف و ۶ رأی ممتنع از مجموع ۲۰۱ نماینده حاضر به تصویب رسید ولی مخصوصاً به جهت بار مالی سنگین آن و مخالفت با اصل ۷۵ قانون اساسی برای بررسی بیشتر به کمیسیون فرهنگی مجلس ارجاع شد. نکته قابل توجه این طرح برای جامعه وکلا و حقوق دانان تکالیف مقرر ضمن مواد ۱۶ و ۱۹ آن است که همین مساله هم موجب طرحی برخی بحث‌ها و اظهار نگرانی‌ها شده است. در ماده ۱۶ این طرح اخذ مجوز مخصوصی برای دخالت وکلای دادگستری در دعاوی خانواده با داشتن شرایطی از جمله تاهل و داشتن حداقل ۴۰ سال سن و داشتن ۵ سال سابقه کار وکالت یا قضایی در حوزه حقوق خانواده مقرر شده است، همچنین در ماده ۱۹ ضمن پیش‌بینی آرایه برخی مشوق‌ها به وکلای دادگستری که دعاوی خانواده را به‌سازش ختم‌کنند، کانون وکلا مکلف به اصلاح تعرفه حق الوکاله به نحوی شده است که “تلاش وکلا و قضات برای برقراری صلح بین زوجین اولی‌تر از طلاق باشد”، البته ظاهراً طراحان این طرح توجه به این نکته نداشته‌اند که طبق ماده ۱۹ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ تعرفه حق الوکاله پس از پیشنهاد کانون وکلا با تصویب رییس قوه قضائیه (در متن ماده ۱۹ مذکور وزیر دادگستری آمده است) قابل اصلاح است و عملاً ایجاد تکلیف برای کانون وکلا در جایی که اختیار قانونی ندارد موجه نیست.

البته باید توجه داشت که اولاً میان مفاد این طرح در این مرحله تا تبدیل شدن به یک قانون لازم‌الاجرا هنوز فاصله‌ای نه چندان کوتاه وجود دارد و ثانیاً همان‌طور که در اظهار نظر مجلس شورای اسلامی هم به چشم می‌خورد این طرح دارای ایرادات اساسی از بعد اجرایی و از جمله بار مالی سنگین است، ایرادات اجرایی این طرح محدود به موارد مندرج در مواد ۱۶ و ۱۹ نیست و این‌طور به نظر می‌رسد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از منویات مقام معظم رهبری در رابطه با ضرورت اصلاح سیاست‌های جمعیتی طرح حاضر را بدون کارشناسی دقیق و عجولانه تهیه و تقدیم مجلس نموده‌اند که همین مساله هم امروز مجلس شورای اسلامی را در برابر ضرورت کارشناسی دقیق‌تر این طرح در کمیسیون‌های تخصصی قرار داده است. همچنین لازم به توضیح و تأکید است که این طرح تا تبدیل شدن به یک قانون لازم‌الاجرا هم از لحاظ زمان فاصله دارد و هم اینکه در فرآیند تصویب مانند هر طرح و لایحه دیگری قطعاً دستخوش جرح و تعدیلاتی خواهد شد، لذا داوطلبان محترم آزمون‌های حقوقی و دانشجویان حقوق هیچ نیازی به مطالعه و فراگیری مفاد این طرح در وضعیت فعلی ندارند.

### نتیجه‌گیری:

سیاست جنایی به یک تعریف مجموعه روش‌هایی است که هیئت اجتماع با توسل و بکار بستن آن‌ها پاسخ‌هایی مختلف به پدیده جنائی را سازمان می‌بخشد (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۸: ۱۰۳). سیاست جنائی علاوه بر قواعد حقوقی، عملکرد نهادهایی مختلف را که اجرای قواعد مزبور را به‌عهده دارند دربر می‌گیرد. بنابراین مجموعه‌ای از فعالیت‌های نهادهای (رسمی) وجود دارد که همچون خود قانون جزء سیاست جنائی قرار می‌گیرند. شیوه‌ی عملکرد نهادها و قواعد حقوقی، نظام عدالت جنایی و نظام کیفری با هم ترکیب می‌شوند و ساختاری بنام “نظام سیاست جنایی” شکل می‌گیرد.

بنا بر تقریرات درسی، سیاست جنائی در کنار سایر سیاست‌های دیگر من جمله: آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و غیره و در تعامل با آن‌ها در پی ساخت و پرداخت نظامی است یا سیستمی است که کارکرد و هدف اصلی و برون‌داد آن کنترل رفتار نامطلوب حسب مورد جرم، انحراف یا آسیب باشد. سیستمی که متشکل از اجزا مختلف و متفاوتی است که در عین حفظ تفاوت‌ها و استقلال عمل و هویت خویش، چنان با یکدیگر کار می‌کنند که یک کارکرد مشخص و منتظر دارند. سیاست جنائی با یک رویکرد اصولاً نگرش و نگاهی معرفت‌شناختی و کلان به حوزه بزه‌کاری و کنترل آن دارد و از سوی دیگر سیاست جنائی یک رویکرد مدیریتی است چون عرصه تصمیم‌سازی است. این چنین عرصه‌ای باید محل تدبیر تدبیرگران مختلفی باشد که هر کدام در تعامل با یکدیگر قرار است یک هدف را دنبال کنند، مثلاً کنترل یک رفتار مجرمانه و یا همه اعمال مجرمانه. در واقع سیاست به‌مثابه یک سیستم یا نظام یا نظام‌واره مورد بررسی قرار گرفته و از نگاه جزیره‌ای و جزئی فاصله می‌گیرد. بدون تردید همه کشورها و یا حداقل کشورهایی که به‌معنای کلمه دارای نظام حکمرانی هستند با مسئله سیاستگذاری آشنایند، البته حوزه‌های مختلفی دارد: اقتصاد، بهداشت، سلامت، ورزش، خانواده و غیره. نظام حکمرانی ایجاد شده تا سیاستگذاری و اجرای سیاست‌ها را برنامه‌ریزی کند. هر کشوری که نظام حکمرانی مشخصی دارد، چنین چیزی دارد.

کاهش نرخ ازدواج و به‌دنبال آن کاهش چشمگیر فرزندآوری زنگ خطر پیری جمعیت را به صدا درآورده است. موضوعی که مجلس انقلابی را به تنظیم و تصویب قانونی به‌اصطلاح تشویقی و حمایتی از خانواده و جوانی جمعیت واداشته است که سرانجام پس از ۴ مرحله رفت و آمد، در تاریخ ۱۰ آبان ۱۴۰۰ به تأیید شورای نگهبان رسید و در ۲۴ آبان‌ماه طی حکمی از سوی ریاست‌جمهوری قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب مجلس شورای اسلامی برای اجرا به وزارت‌خانه بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و معاونت امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری ابلاغ شد.

قانونی که بنا دارد به دغدغه جمعیت و فرزندآوری پایان دهد و در حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مشوق‌هایی چون تسهیلات مسکن، اشتغال و تامین فضای مناسب برای مادر و کودک، آموزش مادران، حمایت از مادران باردار، مقابله با پدیده سقط جنین، سیاستگذاری عمومی جمعیت و درنهایت درمان ناباروری را ارائه دهد. این قانون در شرایطی پیشنهاد و ابلاغ شد که علی‌رغم ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت در اردیبهشت سال ۱۳۹۳ از سوی مقام رهبری و همچنین الزام برنامه ششم توسعه به برنامه‌ریزی در راستای افزایش نرخ باروری کل به بیش از دو و نیم فرزند، همچنان در سطوح قانونگذاری و اجرایی کشور فقدان برنامه‌ریزی عملیاتی و نظام‌مند جهت حل این مسئله مهم و استراتژیک مشهود بود. ضمن این‌که با نگاهی به داده‌های سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۹۸ درمی‌یابیم در این سال ۱۱۹۶۱۳۵ مورد تولد در کشور به‌وقوع پیوسته که در مقایسه با سال قبل از آن ۱۲ درصد کاهش (۱۷۰ هزار مورد کمتر) و در مقایسه با سال ۱۳۹۳، ۲۲ درصد کاهش را نشان می‌دهد، که کمترین میزان ولادت طی ده‌ساله اخیر است.

این روند کاهنده سیر جمعیت از سال ۱۳۶۵ شروع شده است. در این سال میانگین تعداد فرزندان هر مادر ۷ فرزند بود و در سال ۱۳۸۵ الی ۹۰ به ۱٫۸ فرزند رسید و تا سال ۱۳۹۵ رشد جمعیت ۱٫۲۴ درصد بوده‌است و از آن سال به بعد این سیر کاهنده ادامه دارد. دو دلیل عمده و روشن آن کاهش باروری زنان و کاهش تعداد زنان در معرض ازدواج است. چندی پیش دبیر مرکز مطالعات جمعیت با اشاره به تحلیلی از آمارهای پیمایش ملی خانوادگی که در سال ۱۳۹۷ توسط جهاد دانشگاهی انجام شده، تصریح کرد، میل فرزند خواهی خانواده‌های ایرانی حدود ۳ فرزند است و این در حالی است که اکنون هر خانواده

ایرانی دارای کمتر از ۲ فرزند است، به این معنی که تمایل به داشتن فرزند بیشتر است، اما موانعی از جنس اقتصاد و فرهنگ به خانواده‌های ایرانی اجازه فرزندآوری را نمی‌دهد.

روی این ملحوظ ضرورت مداخله‌ی نهادهای حاکمیتی خود را با طرح و تصویب این قانون به منصفه ظهور درآورد. رویکردهای متفاوتی نسبت به دخالت دولت به معنای عام کلمه در امر خانواده مطرح نظر است که به دو مداخله «حداکثری» و «حداقلی» تقسیم می‌شوند و عموماً در این دو نگاه جای می‌گیرند.

لیبرالیست‌ها و فمینیست‌های رادیکال در این گروه جای می‌گیرند و اعتقادشان بر آن است که دولت تا حد امکان از مداخله سرباز زند و به خصوصی بودن این نهاد و شروط ضمن عقد زوجین احترام بگذارد. در این نظریه تعالی و تحکیم خانواده اهمیت می‌یابد و خانواده تنها در صورتی از حمایت دولت برخوردار است که خود مطالبه کند و ادله‌ای نیز برای نظریه خود مطرح ساخته‌اند:

۱- عدم تکلیف دولت در امور خانواده: از آن حیث که دولت‌های لیبرالیست خود را عاری از هرگونه تعهد نسبت به خانواده می‌دانند، اجرای سیاست‌های حمایتی را به سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی واگذار کرده‌اند.

۲- حفظ و احترام به حقوق فردی: در نظام حقوق خانواده بریتانیا این نگاه وجود دارد که دخالت در چنین مسائلی به منزل مخدوش نمودن حقوق و آزادی‌های فردی اشخاص جامعه است.

۳- عدم نیاز به تخصیص بودجه: دولت‌های نئولیبرال نیز این تمایل را ندارند که بودجه و منبع درآمد خود را اختصاص به حمایت و یا هدایت خانواده دهند. این‌ها از اهم دلایل نظریه مداخله حداقلی است.

سطوح پایین باروری بی‌سابقه، گسترش فقر، گسترش خشونت خانگی علیه زنان و کودکان، افزایش ورود زنان به عرصه کار و اشتغال و دلایل دیگر نیز حقوق‌دانان لیبرال را به عقب کشاند و حقوق‌دانان سوسیالیست نظریه مداخله حداکثری دولت در خانواده را نظریه‌پردازی کردند و بر آن ثابت‌قدم ماندند. دولت‌های رفاه و کمونیستی مجریان نظریه مداخله حداکثری هستند و گاهی این مداخلات تا به آنجا رشد پیدا کرد که «خانواده دولتی» جایگزین خانواده‌های سنتی شد. در ادامه دلایل طرفداران مداخله حداکثری به‌اجمال بیان می‌شود:

۱- تغییرات جمعیتی: بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دلیلی که نظریه حداکثری به آن تکیه می‌زند و شاید فلسفه وجودی‌اش باشد، مقوله جمعیت است. تردیدی نیست که میزان جمعیت با بسیاری از مسائل اجتماعی هم‌نشین است.

۲- تامین مسائل رفاهی خانواده: گاهی اوقات ملاحظات اقتصادی و معیشت خانواده دولت را وادار به مداخله می‌کند.

۳- حفظ امنیت ملی: دولت‌ها برای تنظیم نژادی و حفظ امنیت کشور ناگزیر به مداخله هستند.

۴- احترام به حقوق فردی و جمعی به شکل توأمان: در نهایت خانواده‌ها جوامع را تشکیل می‌دهند و نمی‌توان در این توهم به سر برد که خانواده مسئله‌ای تماماً شخصی است و اثری در جامعه ندارد. خانواده از فراش آغاز می‌شود و به شکل خزنده و آرام‌آرام وارد عرصه و حیطة جامعه می‌شود.

علی‌ای حال و با تأمل در دو نگاه فوق به این مهم دست می‌یازیم که تبعاتی جدی در انتظار هر دو رویکرد است، در نگاه حداقلی خانواده رها شده و آسیب دیده است و در نگاه مداخله حداکثری ضعف کارآمدی و کاهش اقتدار خانواده از نتایج ناصوابی است که به‌همراه دارد (مولاهویزه، ۱۴۰۰).

### برخی انتقادات وارد بر قانون جوانی جمعیت (نمایش سیاست جنائی سرگردان):

۱- قانون جوانی جمعیت به اعتقاد کارشناسان پشتوانه تحقیقاتی متقنی برای توجیه متخصصان و اقناع افکار عمومی ندارد. چراکه نوشتن قانون در صلاحیت متخصصان و کارشناسان حوزه مربوطه بوده و تصویب آن در حیطه اختیارات نمایندگان مجلس است.

۲- توجه بیش از حد مواد این قانون به حوزه باروری و فرزندآوری و در نظر گرفتن تسهیلات تشویقی برای زنان و عدم توجه مقتضی به مردان خانواده و همچنین عدم توجه به نیازهای این فرزندان در آینده‌ای نه چندان دور.

۳- نقض و تجاوز به حریم خصوصی و شخصی بدن نیز یکی از موارد ایراد است، به‌عنوان مثال و در ماده ۵۲، عقیم‌سازی را جرم‌انگاری کرده‌است.

۴- جالب اینکه قانون سقط درمانی در سال ۱۳۸۴ با مجوز رهبری به قانون تبدیل شد تا از تولد کودکان معلول و ناقص‌الخلقه جلوگیری شود. براساس ماده واحده این قانون، سقط درمانی با تشخیص قطعی ۳ پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به‌علت عقب‌افتادگی یا ناقص‌الخلقه بودن موجب حرج مادر است یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد پیش‌از دمیدن روح با رضایت زن مجاز است، بنا بر ماده ۷۳ این قانون نسخ شده است و به‌عنوان جایگزین در ماده ۵۶ این قانون شرایط و مسیری دشوار را برای موارد ضرورت سقط جنین پیش‌بینی کرده است.

۵- جنبه‌ی ارشادی داشتن بیشتر مواد این قانون و یا شاید قانونگذار خود را از حکومت جدا می‌داند و به نوعی بر کرسی نشسته و امر و فرمان و پند و اندرز می‌دهد و شاید صرف قانونگذاری در این زمینه را بر خود رفع تکلیف می‌بیند و این با اساس و مبنای سیاست به‌مثابه یک سیستم در تضاد است و همچنین با گزاره‌های اجرایی نیز همخوانی ندارد.

۶- رؤیایی بودن این قانون با ذکر این شرح که، چه برنامه‌ریزی من‌باب تامین منابع بودجه‌ای این طرح شده است! این در حالی است که بهار امسال پیش‌بینی شده بود، میزان کسری بودجه رقمی بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود. چند ماه بعد در مرداد ماه مرکز پژوهش‌های مجلس کسری بودجه را معادل ۳۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرد.

۷- عدم توجه به ابعاد مختلف حوزه سلامت و بهداشت عمومی جامعه؛ به‌عنوان مثال بر اساس ماده ۵۱ توزیع دولتی یارانه‌ای و رایگان وسایل جلوگیری از بارداری ممنوع می‌شود. فروش داروهای جلوگیری از بارداری هم نیازمند دستور پزشک شده است. لذا محدودیت‌هایی که در این قانون برای استفاده از روش‌های پیشگیری ایجاد شده، باعث بالا رفتن تعداد مبتلایان به بیماری‌های مقاربتی، ایدز، سوزاک، کلامیدیا و سایر عفونت‌ها است.

۸- خطر زیرزمینی شدن سقط درمانی؛ به تجربه ثابت کرده هر آنچه اهرم فشار و ممنوعیت تقویت گردد زیرزمینی شدن آن نیز شدت می‌گیرد، مانند: موسیقی‌های زیرزمینی و غیره.

۹- «سیاست یکی به نعل یکی به میخ»، آنجاکه از تسهیلات تشویقی و حمایتی برای زنان صحبت می‌کند و تعارض آن با نقض حریم خصوصی و حق بر بدن در زنان و نیز در برخی موارد در معرض اتهام سقط جنین قرار گرفتن.

۱۰- «بازی با قانون یا قانون‌بازی کردن»، پدیده‌ای که قانونگذار بدان دامن زده، گریبان‌گیر جامعه شده‌است. اینکه هر موضوعی را بدون تفکر صحیح در قالب قانون خلاصه کردن از ارزش و اعتبار قانون می‌کاهد، سبب تعارض قوانین مختلف و عدم یکپارچگی در آن‌ها می‌شود، تورم و ترافیک قوانین حاصل می‌گردد.



۱۱- رونق و گسترش بازار سیاه برای خریدوفروش وسایل پیشگیری از بارداری و به تبع رواج وسایل فیک و تقلبی و تبعات حاصل از آن.

۱۲- «قانون به‌مثابه حضور با تفنگ در اتاق خواب» اصطلاحی که نمایانگر یک رویکرد امنیتی و اقتدارگرا نسبت به ضرورت فرزندآوری است، بیشتر از این‌که فرزندآوری انتخابی و تشویقی باشد، تحمیلی و اجباری است.

۱۳- افزایش نوزادان ناقص‌الخلقه و معلول در پناه ماده ۵۳ این قانون و سخت‌گیری‌های لحاظ شده در راستای غربالگری. یعنی با سیاست محدودسازی غربالگری تعداد قابل توجهی افراد معلول و ناقص‌الخلقه به جمعیت کشور اضافه می‌شود.

#### منابع:

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، چاپ شصت و ششم، تهران، میزان، ۱۴۰۰ ش.
۲. امیدی، جلیل، تفسیر قانون در حقوق جزا، تهران، جنگل، ۱۳۸۹ ش.
۳. بابایی، محمدعلی، میثم غلامی، و فاطمه‌السادات هاشمی دمنه، «ارزیابی سیاست "جرم‌زدایی" قانون برنامه پنجم توسعه در قانون مجازات اسلامی»، دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره یازدهم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.
۴. برهانی، محسن، «افساد فی‌الارض: ابهام مفهومی، مفساد عملی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره دوم، شماره ۲-۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
۵. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ دهم، تهران، میزان، ۱۴۰۰ ش.
۶. پوربافرانی، حسن، «بایدها و نبایدهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیستم، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۲ ش.
۷. پیوندی، غلام‌رضا، و سیدعلی‌رضا میربد، «کیفرگذاری در پرتو اصل کرامت انسان»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۶، بهار ۱۳۹۷ ش.
۸. تقی‌زاده، جواد، مرتضی نجابت‌خواه، و سجاد فولادوند، «مفهوم ضرورت در اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال پنجم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۵ ش.
۹. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، چاپ چهل و دوم، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۹ ش.
۱۰. دلماس مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۸ ش.
۱۱. راسخ، محمد، و احمد مرکزالمیری، «تبیین اصول تشریفاتی قانون‌گذاری»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره پانزدهم، ویژه‌نامه شماره ۹، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۱۲. روستائی، مهرانگیز، و حامد رحمانیان، «مدنی‌سازی حقوق کیفری در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتاد و پنجم، شماره ۱۱۳، بهار ۱۴۰۰ ش.
۱۳. سلمان‌پور، عباس، و حسن کاظمی، «تحولات تقنینی اعاده حیثیت در حقوق کیفری ایران»، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۱۴. شریفی، محسن، محمدجعفر حبیب‌زاده، محمد عیسائی تفرشی، و محمد فرجیها، «دگرگونی‌های مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هفتاد و هفتم، شماره ۸۲، تابستان ۱۳۹۲ ش.

۱۵. شمس ناتری، محمدابراهیم، سیدوحید ابوالمعالی الحسینی، و زهراسادات علیزاده طباطبایی، «ویژگی‌های جرم‌انگاری در پرتو اسناد و موازین حقوق بشر»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۸، بهار ۱۳۹۰ ش.
۱۶. صادقی، سیدمجید، سیدوحید صادقی، و محمد حسن‌پور، «بررسی فقهی - حقوقی مجازات سقط جنین در رسیدن به سیاست افزایش جمعیت»، فصلنامه پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال ششم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۱۷. عبداللّه‌زاده شهربابکی، آزاده، «روش‌های ارتقای کیفیت قوانین»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۸. عبداللهی، افشین، «حواله کیفری به مجازات حدّی در تعزیرات با تأکید بر انجام اعمالی به قصد براندازی نظام»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتاد و پنجم، شماره ۱۱۵، پاییز ۱۴۰۰ ش.
۱۹. غلامی، حسین، «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، فصلنامه حقوق کیفری، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱ ش.
۲۰. فولادی، محمد، «تحلیلی بر تغییر و تحولات جمعیتی در ایران؛ با تأکید بر فرصت طلایی پنجره جمعیتی»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۹)، تابستان ۱۳۹۸ ش.
۲۱. لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نهم، تهران، میزان، ۱۴۰۰ ش.
۲۲. مجیدی، سیدمحمد، «راهکارهای تأمین جرم‌انگاری توسعه‌گرا در حقوق کیفری»، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هشتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش.
۲۳. منتسکیو، شارل لوئی، روح القوانين، ترجمه علی‌اکبر مهندی، چاپ دوازدهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۲ ش.
۲۴. مؤذن‌زادگان، حسنعلی، و حامد رهدارپور، «اصل شفافیت قانون» و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره بیست و سوم، شماره ۸۱، بهار ۱۳۹۷ ش.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، مباحثی در علوم جنایی (تقریرات درس سیاست جنایی)، دوره دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۷۹-۱۳۷۸، ویراست هفتم، ۱۳۹۱ ش.، قابل دسترسی در وبگاه <[www.lawtest.ir](http://www.lawtest.ir)>.
۲۶. نکوئی، محمد، «اصل تناسب جرم و مجازات در قلمرو تخلفات اداری»، فصلنامه حقوق اداری، سال هشتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۹ ش.
۲۷. هاشمی، سیدحسین، «نقد فقهی - حقوقی استقلال جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲»، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۲۸. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سی و دوم، تهران، میزان، ۱۴۰۰ ش.